

گزارش میدانی «شرق» از بازار عمده‌فروشی لباس کهنه و دست دوم تهران

از باغچه تا تاناکورا

بازار عمده‌فروشی لباس کهنه و دست دوم تهران

مهمان سلیمان بیگی؛ فروش لباس‌های شخصی برای تأمین مخارج زندگی؛ این خلاصه ماجرای مردمی است که با فروشندگان گاراژ باغچه سروکار دارند. گاراژی در انتهای کوچه امین‌الدوله خیابان مولوی تهران که درواقع عمده‌فروشی لباس‌های کهنه است. لباس‌هایی که از مردم فقیر یا نرخ نازل خریده شده یا از سطل‌های زباله آمده‌اند، بعضی هم از دیوار مهربانی و به اسم خیرات جمع شده‌اند و البته زدنی از طناب‌های رخت‌خانه‌ها. مشتریان لباس‌ها هم آدم‌های فقیر هستند. آدم‌هایی که تا چند سال پیش مشتری لباس‌های خارجی دست‌دوم یا هم‌ا تاناکورا بودند اما حالا با جهش خیره‌کننده قیمت دلار، خرید لباس خارجی دست‌دوم هم برای عده زیادی مشکل شده است. بساط خرده‌فروش‌های لباس کهنه ایرانی را این روزها می‌شود در پیاده‌روها، صندوق عقب خودروهایی که کنار خیابان ایستاده‌اند و خطوط متروی تهران به چشم دید.

از «تاناکورا» تا «باغچه»

دعوا و فحاشی بالا گرفته است. کشمکش میان مردی حدوداً ۵۰ساله با کلاهی پشمی و کتی رنگ‌نور رفته است با جوانی نهایتاً ۱۹ساله که سرهمی چرکی به تن دارد. دعوا سر یک کیسه بزرگ برزنتی است که تا نیمه پر شده اما معلوم نیست چه چیزی داخل کیسه است که ارزش چنین جدلی را در میانه بازار دارد. چند دقیقه بعد، سروصدای دعوا با اعتراض صاحب مغازه رویه‌رویی فروکش می‌کند؛ «برید اینجا دعوا نکنید، اعصاب نداشتید برای ما سر به کیسه آشفال...». شاید دعوا سر یک کیسه پلاستیک قابل بازیافت و لباس‌های کهنه‌ای که از سطل زباله جمع‌آوری شده در هر جای دیگری طبیعی تلقی نشود اما حوالی «باغچه» همه چیز متفاوت است. بازار مولوی را که تا میانه برپید، یک دوراهی است که سمت راست آن به دالان مغازه‌های فروش لباس دست‌دوم خارجی می‌رسد. دالانی باریک که به حیاطی نه‌چندان بزرگ ختم می‌شود یا تلی از لباس‌های تاناکورا که وسط حیاط روی میز بزرگی ریخته شده و دور تا دورش با مغازه‌های دست‌دوم فروشی پوشاک احاطه شده است. با اینکه لباس‌های وسط حیاط ارزان‌تر از لباس مغازه‌هاست، اما قیمت هر تکه متفاوت است و ظاهراً با کمتر از ۵۰ هزار تومان در باغچه چیزی گیر نمی‌آید. به گفته فروشنده‌های اینجا فروش عمده به شیوه عدلی (بسته‌بندی رایج لباس دست‌دوم) است. برای مثال عدل کاپشن مردانه حاوی ۴۵ کاپشن سالم ۱۲ میلیون تومان، جلوی در یک از فروشنده‌ها که پسری حدوداً ۳۰ساله است، جلوی در مغازه‌اش نشسته است. زیب کاپشن براق آبی‌رنگش را بالا می‌کشد، از سندی چوبی بلند می‌شود و کنار می‌آیستد؛ «خانم بافت‌ها تگهای ۸۰، یادگیرها ۱۲۰».

ارزان‌ترین لباس‌های اینجا رو کجا می‌تونم پیدا کنم؟

همین میز. اینجا هم حراج خروده وگرنه همه‌اش واردات اروپا و تمیزه. بعضی‌ها می‌برن یک اتو می‌زنن و به اسم نو می‌فروش، خدشاهده.

اما به من گفتن اینجا می‌تونم با ۱۰، ۱۵ هزار تومان هم لباس پیدا کنم.

نه خانم. از اینا ارزون‌تر دیگه اینجا نیست، احتمالاً باغچه رو به شما گفتن. از اینجا برید بیرون و یکم جلوتر بگید کوچه امین‌الدوله را می‌خواید، نشونشون اون می‌زنن.



مشتریانوی بیشتر عمده‌فروش؟

همه‌جور هست. مردم عادی باشن که پول ندارن همشو بخرن؛ مگر کسانی که بخوان از ما بخرن و جای دیگه بفروشن.

به اسم تاناکورا دیگه؟ مکه لباسای تاناکورا خارجی نیست؟

«الان برو همین تاناکورا‌های بغل بین پولت به به تیکش می‌رسه اصلاً؟! به کاپشون دارن می‌دن ۵۰۰ هزار. یه زمانی از تاناکورا می‌خردین که ارزون بود، الان دیگه کسی پولشو نداره. الان اینا مشتری داره نه خارجی. می‌خوای یا نه؟»

فروش لباس‌هایی که از سطل زباله می‌آید

چند قدمی با مغازه‌های تاناکورا بیشتر فاصله ندارد، اما از زمین تارک آسمان بالای سرشان هم با هم فرق دارد. «باغچه» گاراژی است ته کوچه بلند و باریک امین‌الدوله که به قول اهالی بازار انکار ته دنیاست و هیچ شباهتی به دالان تاناکوراها ندارد؛ نه خبری از مغازه و لباس‌های آویزان و اتوشده وارداتی است. نه میزی که تل لباس‌ها را به آغوش بکشد و نه دیگر حتی بوی خاص لباس‌های تاناکورا. اینجا در همان دو ورود بوی چرک و کهنگی لباس‌ها زیر دماغت می‌خورد. جلوی در ورودی مردی با پیراهن مشکی و شکم بزرگ روی زمین نشسته و بساطش را پهن کرده است؛ دو جفت کفش، تل نه‌چندان بزرگی از لباس‌های کهنه در هم گره‌خورده، چند نوار کاست قدیمی، یک اتوی نارنجی‌رنگ، بیش از ۱۰ ساعت مردانه، «دو تا تیکه می‌خوای بخری، همه بساط من رو به گند می‌کشی...» این جمله را با عصبانیت درحالی‌که انگشترش را میان چند اسکناس در حال شمارش گذاشته، به زنی می‌گوید که در حال زیروروکردن لباس‌هاست. چند قدم جلوتر، درست در مرکز گاراژ حدود هفت، هشت مرد که می‌خورد همگی بیش از ۴۰ سال داشته باشند، در فاصله چندسانتی‌متری یکدیگر بساط کرده‌اند. اطرافشان حدود ۱۰ فروشنده از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را می‌فروشند، پرده، کیفی‌پول، عطر، ساعت، لوازم آشیز‌خانه، کفش و... از جمله کالاهایی است که در پشت باغچه یافت می‌شود، اما وزن اصلی خرید و فروش را همان هسته مرکزی لباس‌های کهنه تشکیل می‌دهد؛ لباس‌هایی که عمومشان رنگ‌ورورفته، لکه‌دار و سوراخ هستند. یکی از فروشنده‌های مرکز حیاط که مویی کم‌پشت و سبیل دسته‌دوچرخه دارد، کتی سبزرنگ به تن کرده و تسبیح می‌چرخاند، در پاسخ به این سؤال که چطور می‌توان قل‌های خرید کرد؟ با دست به بساطش اشاره می‌کند و می‌گوید «همه‌اش رو می‌خوای؟».

همه‌اش چند تکه یا چند کیلو می‌شود؟ عدلی می‌فروشید؟

از نوک پای من تا اونجا که اصغر ... نشسته، بردار بهت یک تومن می‌دم.

اینجا سالمه؟ خودتون از کجا آوردیدش؟

ما از دو خنم خریدیم. گذشت اون زمان که مردم لباساشون دور می‌نذاختن، الان نون می‌کنشن... ما هم می‌خریم یکی، دو تومن بالا پایین اینجا می‌فروشیم.



بدن از من بخرن. این الان لباس‌ها رو ولی از باغچه ۱۵، ۱۰ تومن می‌خرم و تیکه‌ای ۳۰، ۲۰ تومن می‌فروشم». شیرین تنها فروشنده این خیابان نیست و چندین زن دیگر هم در آن خیابان همکاری هستند؛ با این حال به گفته شیرین او تنها کسی است که برای خرید به پشت باغچه می‌رود، مابقی همین سه میلیون سرمایه را هم ندارند؛ پس یا لباس‌های کهنه خود و خانواده‌شان را برای فروش می‌آورند یا به قول او لباس‌ها را برای فروش «پهشان می‌دهند».

تمام حقوق برای اجاره‌خانه می‌رود

اعظم، فروشنده بعدی است که به گفت‌وگو با او می‌نشینم، او سرپرست مادر، برادر معلول و دختر نوجوانش است. می‌گوید بازنشسته دولت است و حقوق دارد، اما تمام این حقوق را یکجا اجاره‌خانه می‌دهد و برای تأمین هزینه‌های زندگی‌اش راهی جز فروش این لباس‌ها ندارد.

«اولش چند نفر توی محلمان را دیدم که لباس دست‌دوم میارن، من هم به سرم زرد که این کار رو بکنم؛ لباس‌ها و وسایل خونه رو تا جایی که می‌تونم میارم و می‌فروشم. به خدا قسم لباس‌ها و وسایل من تمیزه، از خونه آوردم. چند باری هم کسایی که لباساشون رو دیگه نمی‌خواستن آوردن دادن بهم تا بفروشم و زندگیم بچرخه اما اون‌ها رو هم می‌برم خونه می‌شورم و میبارم». تنها در همان خیابانی که اعظم لباس می‌فروشد، بیش از ۱۰ دست‌فروش لباس دست‌دوم که بیشترشان زنان سرپرست خانواده هستند، بساط می‌کنند. تقریباً تمام آنها می‌گویند که آنچه می‌فروشد لباس‌های استفاده‌شده خودشان یا اقوام و دوستان‌شان است که به قصد کمک به جای سطل زباله سر از بار آنان درآورده است. به گفته خودشان با کمترشدن قدرت خرید مردم در ماه‌های اخیر بازارشان خوب شده و هرچه هم توناند در جای ثابت‌شان بفروشند، به مترو می‌برند تا در عرض چند ساعت فروخته شود. بار یکی از این فروشنده‌ها که پیرزنی حدوداً ۷۰ساله است، شامل یک کیف‌دستی زنانه، دو قاب گوشی که به گفته خودش متعلق به پسرش بوده، چهار پیراهن و یک ساعت کوکی است. «این مال خودمه همشو از خونه آوردم حتی این کیف هم سال خودمه، تمیز تمیزه. به وقت بدت نیاد. شوهر ندارم، بچه‌هام هرکدمو سر زندگی خودشون، اینا رو نفروشم تون شب ندارم. به وقت فکر نکنی زدیده‌ها. به فاطمه زهرا از خونه آوردم، بردار هر چقدر می‌خواد، بدی، حالت».

لای لپانش گذاشته. به نظر مسن‌تر از بقیه است و لکه‌های رنگی بزرگی روی پوست صورتش دیده می‌شود. او را عبدالله صدا می‌زنند.

لباس بچه هم دارید؟

«لباس بچه، زیر، رو همه چی هست. ۱۰ تومن. کشفم بخوای دارم اونم ۱۰ تومن». این را می‌گوید و خم می‌شود تا از زیر پای همکاری‌اش جفتی کفش زمستانی و چند لباس زیر بیرون بکشد و نشانم بدهد.

همه‌اش رو یکجا می‌فروشی؟

همه‌شو می‌خوای؟ چقدر می‌دی؟

نمی‌دونم شما فروشنده‌اید، شما بگید.

بردار هرچی کرتمه بده همش نو هست؛ ولی ببر.

خودتون از کجا آوردیدش؟

مرد جوانی که به نظر می‌رسید از دوستان عبدالله باشد، می‌گوید: «از تو سطح آشفال به وقتایی هم از روی طناب رخت‌خانه‌ها می‌زده». بلافاصله با صدای بلند خنده کوتاهی می‌کند. عبدالله هول می‌شود، یکی به سینه دوستش می‌کوبد و می‌گوید: «رضا حرف مفت می‌زنه، باور نکنید. اینا رو از مردم خریدم». مردی جوان که خودش را از فروشندگان لباس دست‌دوم در متروی تهران معرفی می‌کند، توضیح می‌دهد که حتی برخی از کفش‌هایی که اینجاست، ممکن است کفش‌هایی باشد که از پشت در ساختمان‌ها جمع شده و لباس‌ها هم ممکن است از هر جایی به دست این فروشنندگان رسیده باشد؛ اما چیزی که مهم است این است که این روزها مردم این لباس‌ها را خوب می‌خرند و همین کافی است.

قدرت خرید لباس تاناکورا هم از دست رفت!

یک سکانس پیش از «باغچه» شیرین است. زنی ۳۵ساله با خط لبی توتوشده، کلاه و شال‌کردن بافتنی مشکی و روسری ضخیمی که روی دوشش انداخته است. او از دست‌فروشان ثابت لباس دست‌دوم در یکی از خیابان‌های اطراف میدان آزادی و از مشتریان عمده پشت باغچه است که زمانی لباس‌های تاناکورا را می‌فروخته و حالا به علت لاپرواحی قیمت این لباس‌ها توان خرید ندارد. «آن زمان یه عدل لباس مثلاً می‌شد ۵۰۰ هزار تومن؛ اما الان ارزان‌تر از پنج میلیون عدل پیدا نمی‌شه. کل سرمایه من سه میلیون تومن!» حتی اکه پول هم داشته باشم که بخرم، مردم ندارن اون‌همه پول

اتصال صندوق ضمانت صادرات ایران به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند

خدمات صندوق استفاده کنند.

وی ابراز امیدواری کرد که با راه‌اندازی این سامانه، صادرکنندگان عزیز با کمترین مراجعه حضوری و در سریع‌ترین زمان ممکن از خدمات بیمه‌ای و ضمانت‌نامه‌ای در جهت رشد و توسعه صادرات غیرنفتی بهره‌مند شوند.

در ادامه، مجید آقاژاده مدیر فناوری اطلاعات و امنیت فضای مجازی صندوق با اشاره به ارائه برخی از خدمات صندوق در پنجره ملی خدمات دولت هوشمند، اظهار کرد: دبیرخانه شسورای اجرایی فناوری اطلاعات وزارت ارتباطات، طبق تکلیفی که برای این صندوق مشخص کرد، می‌بایست تا پایان آبان‌ماه این اتصال را برقرار و تا پایان آذرماه حداقل یک‌سوم خدمات صندوق در این سامانه ارائه می‌شد که با تلاش همکاران مجموعه این مهم در موعد مقرر انجام شد.

ارائه خدمات تعیین رتبه اعتباری خریداران خارجی، تعیین رتبه اعتباری دولت‌ها، بیمه‌نامه خاص صادرات، بیمه‌نامه کل گردش صادرات و استعمال اصالت انواع ضمانت‌نامه‌هاز مهم‌ترین خدماتی است که در بستر این سامانه در اختیار فعالان اقتصادی قرار گرفته است.

کرفت و با همکاری مدیریت فناوری اطلاعات و بخش فنی، زیرساخت لازم برای انجام این مهم فراهم شد.

وی افزود: با الزام قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور مبنی بر پیاده‌سازی این پنجره، صندوق ضمانت صادرات نیز این موضوع را پیگیری کرده و بر اجرایی‌شدن آن اهتمام ورزید به‌طوری‌که هم‌اکنون با اتصال به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند، ذی‌نفعان خدمات صندوق این امکان را دارند که به صورت آنلاین از

مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران از ارائه خدمات الکترونیک این صندوق در پنجره ملی خدمات دولت هوشمند خبر داد.

به گزارش روابط‌عمومی صندوق ضمانت صادرات ایران سیدرضا علیخانی رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران ضمن اعلام راه‌اندازی پنجره واحد خدمات صندوق و اتصال آن به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند، اظهار کرد: از ابتدای سال جاری، این موضوع در اولویت برنامه‌ها قرار



شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه‌های مشروح ذیل را از طریق سامانه مدارک الکترونیک دولت‌پرگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی‌کیفی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه‌تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت، نسبت به ثبت نام در سایت مذکور و دریافت کد رهگیری الکترونیکی جهت شرکت در مناقصات اقدام نمایند. ضمناً آگهی مناقصات این شرکت بصورت همزمان در روزنامه‌های کثیرالتشراج وب سایت شرکت پالایش نفت آبادان به آدرس WWW.ABADAN-REFIRدرج و قابل مشاهده می باشد.

- از مناقصه‌گران واجد شرایط که آمادگی و توانایی انجام هر یک از مناقصه‌های ذیل را دارند دعوت بعمل می آید جهت شرکت در مناقصه به سامانه‌تدارکات الکترونیکی دولت (سناد) به آدرس صدرالانشاء مراجعه و پس از دریافت اسناد مربوط به ارزیابی‌کیفی (دفتر چه‌شماره یک و معیارهای ارزیابی‌کیفی بصورت رایگان) و مطالعه و تکمیل آن به همراه کلیه مدارک مورد نیاز مطابق با برنامه زمان بندی مربوطه، نسبت به بازگذاری اسناد مذکور در سامانه اقدام نمایند.

- تکمیل کلیه اطلاعات خواسته شده در فرمهای ارزیابی‌کیفی مناقصه‌گران به صورت دقیق و خوانا و بازگذاری تمامی مدارک و مستندات، سوابع کاری و مالی و همچنین ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و یا اعضای جامعه حسابداران رسمی در قراردادهای یا مبلغ بیش از ده برابر مناب معاملات متوسط الزامی است، (عدم ارائه صورت

ردیف	شماره مناقصه در دستگاره تراز مناقصه	شماره مناقصه در سامانه ستاد	شماره تقاضا	موضوع	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به روال	برنامه زمان بندی مراحل مناقصه
۱	۴۴۰۱/۱۷	۴۰۰۱۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۵۵	۰۱-۹۰-۰۰۳۴۴۰۰۳/۷۰۸	C۲CL۴ تراکلوواتین	۲/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰	الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴/۵/۰۰۰/۰۰۰
۲	۴۴۰۱/۱۳۳	۴۰۰۱۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۵۶	۴۰-۹۰-۰۰۰۴۴۰۰۰۳۶/۵۰۲	چکالنده صفحه ای	۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	ب- آخرین مهلت ارائه و بازگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه گران: مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ لغایت
۳	۴۴۰۱/۰۵۵	۴۰۰۱۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۵۷	۴۰-۹۰-۰۰۰۴۳۵۰۰۰۳۱/۲۱۰	ON/O۴ VALVE	۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۴۰۱/۰۵/۰۵
۴	۴۴۰۱/۱۳۵	۴۰۰۱۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۵۹	۴۰-۹۰-۰۰۰۱۴۱۷۰۰۰۱۴/۲۰۸	دیزل یعب خودمکش/آتش نشانی	۴/۶۶۰/۰۰۰/۰۰۰	ب- آخرین مهلت ارائه و بازگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه گران: مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۹ لغایت
۵	۴۴۰۱/۱۳۶	۴۰۰۱۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۶۰	۴۰-۹۰-۰۰۰۱۴۳۷۰۰۰۱۵/۸۱۷	WATER DETERMINATION IN GASES AND LPG	۱/۵۹۰/۲۵۰/۰۰۰	
۶	۴۴۰۱/۱۳۴	۴۰۰۱۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۶۱	۴۰-۹۰-۰۰۰۹۹۴۴۰۰۰۰۲۶/۸۱۹	یونیت ترانسفورماتور	۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	
۷	۴۴۰۱/۸۴	۴۰۰۱۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۶۲	۴۰-۹۰-۰۰۰۱۴۷۷۰۰۰۰۳۲/۷۰۶	(یکپارچه) (اسکله LINE PIPE شماره ۷)	۲/۲۴۰/۵۰۰/۰۰۰	
۸	۴۴۰۱/۱۳۳	۴۰۰۱۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۶۳	۰۱-۹۰-۰۰۰۱۳۲۴۴/۷۰۶	LINE PIPE(یکپارچه)	۵/۲۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰	

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

روابط عمومی - شرکت پالایش نفت آبادان



وزارت صمت: اظهارات رئیس پلیس راهور درباره واردات خودروی بی کیفیت یا هندی از سر بی اطلاعی است

برویم خودروی بی‌کیفیت را از هند وارد کنیم که اگر این طور بود، خب همان پراید بی‌کیفیت که در داخل تولید می‌شد».

ضمن ابراز تأسف از اظهارات مکرر رئیس پلیس راهور علیه صنعت خودروسازی کشور و زیر سؤال بردن توانمندی‌های داخلی، درباره واردات خودرو موارد زیر برای اطلاع ایشان و رسانه‌ها اعلام می‌شود:

برخلاف ادعای رئیس پلیس راهور، هیچ‌گونه ثبت سفارشی برای واردات خودروهای هندی انجام نشده است؛ همچنین طبق دستورالعمل‌های جاری، از ثبت سفارش واردات هرگونه خودروی فاقد کیفیت و استانداردهای مربوط به صنعت خودرو جلوگیری می‌شود. ضمن اینکه برای خدمات پس از فروش، تأمین لوازم یدکی، نحوه قیمت‌گذاری، انتقال فناوری و عرضه خودروهای وارداتی نیز مقررات بسیار سخت‌گیرانه‌ای تصویب شده و برخلاف دوران قبل، شرکت‌های متفرقه و دلان نتوانسته‌اند مجوز واردات خودرو را دریافت کنند.

در پایان بار دیگر تأکید می‌شود که هیچ‌گونه ثبت سفارشی برای واردات خودروی هندی انجام نشده و خودروهای خارجی که به‌زودی وارد کشور خواهد شد، از شرکت‌های معتبر و دارای کیفیت و استاندارد بالا و مناسب خواهند بود؛ آن‌گاه باید دید افسرادی که ادعای واردات خودروی هندی یا خودروی بی‌کیفیت می‌کنند، چه پاسخی برای افکار عمومی دارند.

